

وزیر ارشاد:

کانال‌های بالای ۵ هزار عضو ملزم به اخذ مجوز هستند

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: هر کانال خبری و نهاد محور که بیش از ۵ هزار عضو داشته باشد، حتماً باید اطلاعات آن ثبت شود.



به گزارش برنا، محمد مهدی اسماعیلی، در خصوص ضرورت اخذ مجوز کانال‌های بالای ۵ هزار عضو، گفت: این قانون مصوب ۱۳۹۵ است. ما بایستی تمهیدات آن را فراهم می‌کردیم، در حال حاضر سامانه آن تدارک دیده شده و ثبت نام‌ها در حال شروع شدن است. به گفته وی، گرفتن مجوز برای پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی فرقی نمی‌کند.

نظر یک حقوقدان درباره فعالیت حجاب بانان: تصویربرداری از خانم‌ها جرم و مشمول تعزیرات است

محسن برهانی، حقوقدان و عضو هیأت علمی دانشگاه در پستی که روز شنبه در حساب کاربری خود در شبکه ایکس منتشر کرد، نوشت: «تصویربرداری از خانم‌ها در اماکن عمومی و به صورت علنی قطعاً مصداق نهبی از منکر نیست. این اقدام، جرم بوده و مشمول حکم ماده ۶۱۹ تعزیرات است. این ماده از قانون می‌گوید: هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان شود... به حبس از دو تا شش ماه و یا ۲۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

فرمانده انتظامی استان بوشهر:

با ۲۷ صفحه اینستاگرامی آرایشگری برخورد شد

فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: با ۲۷ صفحه اینستاگرامی آرایشگری و ۲۷ آرایشگر هنجارشکن در بوشهر «برخورد لازم» صورت گرفته است.



حیدر سوسنی صبح دیروز در جمع خبرنگاران افزود: این بانوان آرایشگر اقدام به انتشار تصاویر مشتری‌ها در صفحات اینستاگرامی با هدف افزایش تعداد دنبال‌کننده و بالا بردن میزان مراجعه مشتریان می‌کردند. به گفته این مقام انتظامی، این افراد حتی در مواردی بدون اطلاع یا رضایت مشتریان این کار را انجام داده‌اند.

تایید مازوت سوزی نیروگاه تبریز

مدیر کل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی با تایید مازوت سوزی نیروگاه حرارتی تبریز، اعلام کرد: این موضوع در آلودگی هوای این کلاتشهر تأثیر بسزایی دارد. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، شهنام آشتی تأثیر مازوت سوزی نیروگاه تبریز در کاهش کیفیت هوای این کلاتشهر را قابل ملاحظه خواند و افزود: پایش‌های ایستگاه‌های سنجش کیفی هوای تبریز این موضوع را اثبات می‌کند. وی ابراز امیدواری کرد با اتخاذ تمهیدات لازم و کافی مدیران نیروگاه حرارتی تبریز هر چه سریع‌تر نسبت به تغییر سوخت اقدام کرده و مانع از بروز آلودگی‌های محیطی در کلاتشهر تبریز شوند.

۴ برابر نرم جهانی هدررفت آب داریم

مدیر عامل شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور با اشاره به هدررفت بیش از ۳۱ درصد آب شرب کشور، گفت: چهار برابر نرم جهانی هدررفت



آب داریم. هاشم امینی در برنامه صف اول شبکه خبر، افزود: هر سال با دست رفتن بخشی از آب‌های سطحی یا آب‌های زیرزمینی بخشی از شهرها و روستاهایمان دچار تنش آبی می‌شوند. حال حاضر تقریباً ۲۷۵ شهر مادچار تنش آبی است.

افزایش آلودگی هوا در کلاتشهرهای کشور

سازمان هواشناسی با اشاره به پایداری هوادر کلاتشهرهای کشور، از افزایش آلودگی در این شهرها خبر داد. به گزارش یلنا، بر اساس اعلام سازمان هواشناسی، دیروز شنبه ۹ دی و امروز یکشنبه با توجه به پایداری و سکون هوا، غلظت آلاینده‌های جوی در شهرهای صنعتی افزایش می‌یابد که موجب کاهش کیفیت هوای این مناطق می‌شود. هواشناسی اعلام کرد: دوشنبه با گذر موج تراز میانی جودر مناطقی از غرب، جنوب غرب، ارتفاعات و دامنه‌های زاگرس مرکزی و جنوبی، افزایش آلودگی باران، گاهی مدد و برق، وزش باد و در مناطق سردسیر و مرتفع، بارش برف پیش‌بینی می‌شود. طبق اعلام هواشناسی، سه شنبه بارش پراکنده در مناطقی از شرق و جنوب شرق ادامه خواهد داشت. چهارشنبه نیز در غالب نقاط کشور جوی پایدار حاکم خواهد بود.

محمد گراوندنیا، روانشناس در تحلیل حجم ناامیدی موجود در جامعه:

ما عصبانی هستیم؛ از خیلی چیزها



خروجی‌های ناامیدی فراگیر در جامعه، صرفاً یأس و افسردگی و... نیست، گاهی در خشونت‌های اجتماعی فردی هم خود را نشان می‌دهد. این که مهدی فروزش، مدیر کل پزشکی قانونی استان تهران می‌گوید که در نیمه اول امسال، ۵۵ هزار نفر به دلیل آسیب‌های ناشی از نزاع به مراکز پزشکی قانونی استان مراجعه کرده‌اند، یک نمونه آن است

خشم‌های ناشی از آن چه باید کرد. نکته اول این است که باید دنبال رابطه‌هایی عمیق و همدلانه با یکدیگر باشیم. یعنی باید دقت کنیم در این شرایط سخت، دست کم از نظر عاطفی سعی کنیم عزیزان و نزدیکانمان را از دست ندهیم. نکته بعدی آن است که باید مراقب بروز خشم به نزدیکانمان نیز باشیم؛ همان ترانسفر خشم. باید بلافاصله درک کنیم که ما خشمگین هستیم و باید در مراحل بعدی راه‌های بهتری برای تخلیه این خشم انباشته پیدا کنیم. یادمان باشد که آدم‌ها تنها سرمایه‌های روانی ما هستند. اگر از دست‌شان بدهیم، با سرعت بیشتری دچار مشکلات روان‌آزاد خواهیم شد.

رنج‌هایی که از باورها و احساسات می‌کشیم

مسئله مهم‌تری که در گفت‌وگو با این روانشناس مطرح می‌شود، احساسات است که نتیجه باورها، ماست. وقتی ما باور داشته باشیم که شرایط بهبود نخواهد یافت، نتیجه‌اش احساسات تلخ و ناایمنانه خواهد بود. این روانشناس در این باره می‌گوید: «نکته دیگری که باید عرض کنم، این است که هر احساسی که دارید، ناشی از یک فکر است که احتمالاً دارید با خودتان صحبت می‌کنید که کسی یا چیزی را از دست داده‌اید. اگر احساس گناه و شرم می‌کنید، احتمالاً خودتان را آدم بدی می‌دانید که ارزش‌های خود را زیر پا گذاشته‌اید. اگر هم احساس یأس و ناامیدی دارید، به خاطر این است که به تغییر نخواهید کرد. اگر شرایط بد است و هرگز تغییر نخواهد کرد، اگر هم احساس خشم دارید، احتمالاً فکر می‌کنید یکی غیر منصفانه با شما برخورد کرده یا قصد سوءاستفاده از شما را دارد. اگر هم احساس اضطراب دارید، فکر می‌کنید خطر بزرگی در کمین است یا می‌خواهد اتفاق بدی بیفتد.»

آه از این عدم اطمینان

بله، در نهایت باورهایی که به شرایط فعلی و عدم بهبود آن‌ها داریم، راهی مغزمان شده و تبدیل به فعالیت‌های ذهنی شده و نتایجش، همین دست احساسات تلخ و ناایمنانه خواهد شد؛ و بعدها هم که منجر به رفتارهایی تلخ مانند گوشه‌گیری و خودکشی و مهاجرت و خشم و... این‌ها مواردی است که از عدم اطمینان ناشی می‌شود؛ عدم اطمینانی که به آینده در همه ما به وجود آمده است.

متوجه می‌شوم که همه ما خشمگین و عصبانی هستیم. به نوعی همه دل‌مان می‌خواهد کلی داد و بیداد کنیم و حتی گاهی کارمان به فریاد بکشد. این وسط کسانی هم که اهل داد و بیداد نیستند، می‌بینیم که بی‌حال و رمق گوشه‌ای افتاده‌اند و دروغ از یک مشارکت ساده در یک گفتگوی روزمره عادی و معمولی، در این میانه، برنگران ما که مدام غرولند و شکایت می‌کنند که چرا چنین شد و چرا چنان نشد.»

ما واقعا عصبانی هستیم

از این دانش‌آموخته روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی که حضور فعالی هم در شبکه‌های مجازی دارد، می‌خواهیم درباره نسبت این خشم‌ها و ناامیدی‌ها و... بیشتر برای‌مان توضیح بدهد. می‌گوید: «به نظر می‌رسد که ما واقعا عصبی و خشمگین هستیم. اما از چه چیزهایی؟ شاید از شرایط اقتصادی جامعه، شاید از نرخ منفی شده ازدواج، شاید زمانی از وضعیت قرمپینه و کرونا، شاید از حقوقی که تا دهه‌ها بر جرم کفاف نمی‌دهد و... نکته قابل توجه این است که ما غالباً خشم خود را به صورت ناآگاهانه به یکدیگر منتقل کرده و سرهم تلافی می‌کنیم. به آن می‌گوییم ترانسفر خشم. این کار را با رفتارهایی چون قهر، طعنه، سرزنش، مسدود و بلاک کردن، دعوا، تلافی، گرانفروشی، دروغ گفتن، خیانت، غیبت و... انجام می‌دهیم. ما عصبانی هستیم؛ از خیلی چیزها.»

در جستجوی رابطه‌های همدلانه

اما همه بحث‌ها باید به راه‌حلی هم برسند. چطور می‌توانیم تا حد دربار این ناامیدی‌ها و استیصال‌های عمومی صحبت کنیم، بدون این که پای راه‌حلی وسط باشد. دکتر گراوندنیا در این باره اشاره می‌کند که: «شاید بپرسید که در برابر این همه ناامیدی و عصبانیت‌ها و

چه باید کرد؟ اما با این حجم عظیم ناامیدی که خود را در رفتارهای مختلفی چون خشم و عصبانیت و آستانه تحمل پایین و افسردگی و خودکشی و... نشان می‌دهد، چه کار باید کنیم؟ اساساً چه کاری از دست‌مان بر می‌آید؟ دکتر محمد گراوندنیا، روانشناس و مشاور، در این باره به جمعیت ۱۲۰۱۰ میلیونی تهران پاسخ می‌دهد. «توسعه ایرانی» چنین می‌گوید: «به عنوان یک دانش‌آموخته روانشناسی و روانشناس، خوب است که به این روزهای‌مان توجه می‌کنم، به نوعی



دکتر محمد گراوندنیا، روانشناس مشاور، در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»: «ما واقعا عصبی و خشمگین هستیم. شاید از شرایط اقتصادی جامعه، شاید از حقوقی که تا دهه‌ها بر جرم کفاف نمی‌دهد و... ما غالباً خشم خود را به صورت ناآگاهانه سرهم تلافی می‌کنیم و این کار را با رفتارهایی چون قهر، طعنه، سرزنش، مسدود و بلاک کردن، دعوا، تلافی، گرانفروشی، دروغ گفتن، خیانت، غیبت و... انجام می‌دهیم. ما عصبانی هستیم؛ از خیلی چیزها.»

افسردگی و... نیستند، گاهی در خشونت‌های اجتماعی فردی هم خود را نشان می‌دهد. این که مهدی فروزش، مدیر کل پزشکی قانونی استان تهران می‌گوید که در نیمه اول امسال، ۵۵ هزار نفر به دلیل آسیب‌های ناشی از نزاع به مراکز پزشکی قانونی استان مراجعه کرده‌اند، یک نمونه آن است. حالا این را در نسبت با جمعیت ۱۲۰۱۰ میلیونی تهران بسنجید. به نظر می‌رسد مردم واقعا خویشتن‌داری را از دست داده‌اند؛ تصور کنید از این ۵۵ هزار نفر، ۲۰ هزار نفر نشان خانم بوده‌اند؛ از خود دهبایی که گاهی به خاطر یک جای پارک، به قتل منجر می‌شود و در سرویس حوادث رسانه‌ها انعکاس می‌یابد.

جالب این که این رقم برای سه ماهه اول سال و کل کشور، نزدیک ۱۵۹ هزار مورد بوده است. همچنین بر اساس این آمارها ۵۷۴ هزار نفر در سال ۱۳۹۸، ۵۸۵ هزار نفر در سال ۱۳۹۹، ۵۸۶ هزار نفر در سال ۱۴۰۰ و ۵۹۱ هزار نفر در سال ۱۴۰۱ به دلیل نزاع و درگیری به پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند. یعنی که در کل، خشم اجتماعی مردم و عدم تحمل‌پذیری‌شان، مدام در حال رشد و صعود بوده است. این خشم‌های انباشته که ناشی از مشکلات عدیده اقتصادی و... است، طوری است که حتی در نظر سنجی‌ها هم خود را نشان داده است. مثل آن نظر سنجی مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، که در اسفند ۱۴۰۰ انجام و نتایج آن در تابستان سال گذشته منتشر شده و نشان می‌داد که آستانه تحمل و تاب‌آوری مردم تا حد زیادی کم شده و به خاطر موارد نه چندان جدی نیز، دعوا راه می‌اندازند. جالب این که روزنامه اعتماد هم زمانی، نوشته بود به استناد آمارهای رشد نزاع از جاع داده شده به پزشکی قانونی، به ازای هر یک درصدی که به تورم اضافه می‌شود، ۱۲۰۰ مورد نزاع‌ها بالا رفته است.

ابراهیم فاطمی

بعضی آسیب‌ها در جامعه نیاز به ارائه آمار و ارقام ندارند؛ در پیرامون تان حساسی با آن‌ها درگیر هستید. مثل همین ناامیدی‌های فراگیر. حتی یک روز صبح که حال تان خوب است، می‌بینید که چند نفری جلوی تان سزمی‌شوند که حال‌شان خوب نیست و ناامیدند و ده‌ها مشکل ریز و درشت دارند یا خبر بدی اتفاق می‌افتد یا چیزی گران می‌شود یا... به همین دلیل است که غالباً می‌گویند جامعه ایرانی در نمره شادی، جزو آن آخری‌هاست. واقعا چرا ما ناامید شده‌ایم؟ چرا این ناامیدی، اینقدر فراگیر شده؟ چرا روزنه‌های روشن کمی را می‌بینیم؟ و خروجی این ناامیدی‌های فراگیر در رفتارهای اجتماعی و حتی فردی ما چه چیزهایی هستند؟

چرا ناامید شده‌ایم؟

دلیل زیادی برای اثبات این که ما تبدیل به آدم‌هایی افسرده و ناامید شده‌ایم، وجود دارد. ناامیدی، یعنی این فکر در ذهن‌مان می‌چرخد که امید به بهبود شرایط نیست؛ و وقتی که آدمی دچار استیصال از بهبود شرایط می‌شود، یعنی کنترلی بر آن ندارد و همین احساس عدم کنترل، ایجاد یأس و ناامیدی می‌کند. به میزان مهاجرت‌ها نگاه کنید؛ کلی دانشجوی و فارغ‌التحصیل و دکتر و متخصص و... راهی خارج از کشور شده‌اند. طوری که می‌گویند با این وضعیت اگر ادامه بدهیم، در برخی از رشته‌ها و گرایش‌های پزشکی دچار کمبود خواهیم شد و باید با مرخص به خارج بفرستیم. یا از خارج، دکتر بیآوریم.

نشانه‌های یک ناامیدی بزرگ جمعی

علاوه بر این‌ها، نشانه‌های دیگری هم هستند که خبر از ناامیدی فزاینده عمومی مردم ایران می‌دهند. مثل این که حمید پیروی، نایب رئیس جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی، گفته است: «در سال ۱۴۰۱، به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۷۴ نفر اقدام به خودکشی و فوت کردند. قابل ذکر است که در سال گذشته، بیش از شش هزار نفر اقدام به خودکشی منجر به فوت داشتند.» این در حالی است که به گفته برخی کارشناسان، بخشی از آسیب‌های اجتماعی که جمله این خودکشی‌ها، منشأ اقتصادی و مشکلات معیشتی دارد؛ طوری که گاه خبر از خودکشی‌های کارگران و خودسوزی‌ها و... می‌شنویم. مثل این که حسین راغفر، اقتصاددان، در گفتگو با رسانه‌ها گفته است: «خودتخریبی و خودکشی یکی از حادترین یا افراطی‌ترین اشکال اعتراض به نابسامانی‌های ناشی از سیاست‌های غلط اقتصادی است. مسئله اصلی را باید در نظام حکمرانی جست و جو کرد. پدیده خودکشی در کشور ما قطع به یقین ریشه در دو دسته از سیاست‌ها دارد؛ یکی سیاست‌های اقتصادی است و دیگری سیاست‌های اجتماعی است که افراد، حتی کسانی که تحصیلات عالی دارند، هیچ چشم‌انداز روشنی را در مقابل خود نمی‌بینند و دست به خودکشی می‌زنند.»

خشم‌های ناشی از ناامیدی

البته خروجی‌های این ناامیدی صرفاً یأس و

در نشست مسائل مبتلا به آموزش و پرورش مطرح شد:

سیاه‌ترین دوران را از نظر برخوردهای سیاسی - امنیتی سپری می‌کنیم

این فعال صنفی ادامه داد: اتفاقات اخیر نتیجه همکاری و کم‌کاری حراست بود، همکاری با نهادهای بیرون از آموزش و پرورش و کم‌کاری برای این که از همکاری خودش حمایت نکند. از دست دادن معلم‌ها به خاطر دلایل کوچک و پیش‌پاافتاده سیاسی یا اعتراضاتی که حق قانونی معلم محسوب می‌شود ضرر به خود حاکمیت است چرا که برای پرورش این همکار وقت و هزینه صرف شده است. برای همین می‌گویم وظیفه حراست آموزش و پرورش حراست از همکاری است، وقتی نهادهای بیرون از آموزش و پرورش فشار وارد می‌کنند حراست نباید مطیع باشد.

دانش‌آموزان قربانی رویکردهای غلط شده‌اند

همچنین در ادامه این گفت‌وگو، محمد داوری گفت: وقتی درباره مدرسه صحبت می‌کنیم سه عنصر معلم، دانش‌آموز و مدیر مدرسه مثلثی هست که چشم‌انداز یک مدرسه را تعیین می‌کند، وضعیت دانش‌آموزها که مخدوش، ناامید و فراری از مدرسه است، دانش‌آموزان قربانی رویکردهای غلط شدند. در این وضعیت مدیریت مدرسه مهم است، سمت‌وسوی هر مدرسه‌ای با تغییر مدیر تغییر می‌کند، تغییر مدیران مدارس با این رویکردها نگران کننده است چرا که می‌بینیم مدیران جدید با چه نگرشی انتخاب می‌شوند و گمان می‌کنم اعتبار زدایی که از مسجود یادگان صورت گرفته دارد برای مدرسه هم اتفاق می‌افتد، بی‌اعتبار شدن یعنی اعتماد مردم را از دست دادن و کار کرد اصلی خودشان را فراموش کردن، اگر مدرسه نماد تربیت است و خانواده‌ها باید به آن اعتماد کنند این اعتبار دارا از آن گرفته می‌شود.

الان این برخوردها گریبان معلم‌هایی که فقط در تجمع شرکت می‌کنند هم گرفته است، یعنی معاون مدرسه داشتیم که به دلیل فعالیت‌ها هم رتبه‌بندی نگرفته و هم بعد از مدتی باز نشتی اجباری به او دادند.

محرومیت ۳۰ تا ۴۰ معلم از رتبه‌بندی به دلیل فعالیت صنفی

این معلم بیان اینکه ۳۰ تا ۴۰ معلم داریم که به خاطر فعالیت صنفی از رتبه‌بندی محروم شدند، گفت: در یکی دو سال عمر این دولت حذف کردن افراد در آموزش و پرورش بی سابقه بوده و در هیچ دوره‌ای این طور علیه معلم‌ها نبوده‌اند.

قصد داشتند آموزش و پرورش را متناسب با دیدگاه خودشان پیش ببرند

نرگس ملکزاده نیز در ادامه این نشست گفت: سال گذشته در جریان اعتراضات می‌گفتند جمعیت خاکستری معلم‌ها زیاد است، فکر می‌کنم با اقدامات جدید خودشان قصد داشتند آموزش و پرورش را متناسب با دیدگاه خودشان سفید کنند اما در واقع سیاه‌تر کردند، آثار ضرب‌های که این اتفاق می‌زند در سال‌های آینده مشخص می‌شود، امروز برای معاون اداره کسی را داریم که دو سال سابقه دارد، یک فرد یادو سال سابقه چه طور به این جایگاه رسیده است، به نظرم پادشاهی فعالیت در ستاد انتخاباتی خودشان را در آموزش و پرورش به این افراد دادند. وی افزود: وظیفه حراست فقط سخت‌گیری به معلم‌ها نیست، در جریان اخراج و حذف رتبه‌بندی یکسری فشارها از بیرون آموزش و پرورش بود اما حراست به جای این که از همکاری خودش حمایت کند با فشارها همراهی کرد.

نرگس ملکزاده، محمدرضا نیک‌نژاد و محمد داوری به عنوان معلم در کافه خبر آنلاین به مباحث مبتلا به معلمان و سیستم آموزشی پرداختند محمدرضا نیک‌نژاد گفت: پیش از این معلم‌هایی که فعالیت صنفی داشتند عموماً درگیر روند رسیدگی قضایی می‌شدند، اما الان این وظیفه به ساختار اجرایی در آموزش و پرورش واگذار شده است، یعنی برخوردهای سیاسی - امنیتی را در ساختار آموزش و پرورش آنقدر گسترش داده‌اند که باید گفت در این زمینه سیاه‌ترین دوران آموزش و پرورش را سپری می‌کنیم.

به گفته وی، قبل‌تر هر برخوردی با معلم‌ها متوجه رهبر فعالان صنفی می‌شد اما

